باسمه تعالي

امروز قبل از شروع كلاس از بلندگوهاي هر كلاس دعاي روز و فرج و سرود ملي پخش شد. ساعت اول كودكان علوم داشتند. دانش آموزان از هم درس را مي پرسيدند با نظارت معلم يك پسر بچه به اسم رضا بود كه فقط يك چشم داشت نحوه ي رفتار و برخورد او در حين تدريس و فعاليت هاي كلاسي برايم جالب توجه بود. در كلاس علوم در مورد ويژگي هاي نور و گياهان بحث شد. يكي از بچه ها يك سبزه آورده بود كه بر روي قسمتي از آن بشقابي گذاشته بود تا مانع رسيدن نور خورشيد به سبزه شود قسمت نور خورده كاملاً سبز بود و قسمت ديگر كپك زده بود و زرد رنگ بود (فايل عكس). در قسمت ديگر كلاس معلم يك گياه (كرفس) آورده بود و نحوه ي درست بُرش زدن آن را به افراد نشان داد و روي آن آوندهاي گياه كرفس را به كودكان نمايش داد و سپس وظيفه ي آوند و انواع آن را براي كودكان بيان كرد. زنگ اول به پايان رسيد و به حياط رفتم صحنه هاي جالبي در آن ديدم، كودكاني را ديدم كه بطور وحشيانه يكديگر را مي زدند اما جالب بود كه هيچ كدام از آن ها آسيب نمي ديدند !!!